

## گذر مفاخر

موضوع: کوچه سرتخت  
موقعیت: محله سرتخت



اهالی قدیمی محله سرتخت این کوچه را کوچه طبیبان و حکیم باشی می‌نامند. حاج رضا حسن منفرد، از معتمدان محله سرتخت می‌گوید: «ویژگی اصلی کوچه سرتخت وجود عمارت‌های قدیمی و مهم‌تر از آن ساکنان این عمارت‌هاست. در کوچه سرتخت سردر خانه میرزا علی خان حکیم را می‌بینید که نخستین مطلب محله سرتخت بود. ساکنان این کوچه اهل علم و فرهنگ بودند. خاندان معینی، خاندان دکتر فرزانه، خانه دکتر نورالله خان، دکتر میرزا علی حکیم، خاندان پورباقر و خانه چراغچی حرم در این کوچه زندگی می‌کردند.» منفرد می‌گوید: «ملاحسن چراغچی در این کوچه زندگی می‌کرد. او چراغ‌های حرم را یکی یکی روشن می‌کرد تا زائرانی که برای نماز می‌آمدند زیر نور چراغ نماز بخوانند.»

## به نام کلیدداران حرم

موضوع: کوچه کلیدداری  
موقعیت: محله سرتخت، کوچه کلیدداری

کوچه کلیدداری در خیابان ادیب کاشانی کنار بازار حرم مطهر است؛ کوچه بن‌بستی که اهالی آن را به واسطه زندگی کلیدداران حرم مطهر بسیار خاص می‌دانند. حاج رضا حسن منفرد می‌گوید: زمانی که بیشتر اهالی ری در محله نقرآباد زندگی می‌کردند و زمین‌های کشاورزی و کاروانسار دور حرم بود، اهالی از کوچه کلیدداری به‌عنوان نزدیک‌ترین مسیر به حرم مطهر استفاده می‌کردند. سال‌ها قبل خانواده فردی به نام کلیدداری که به دلیل اینکه کلیددار حرم بود به کلیدداری معروف شده بود در این کوچه زندگی می‌کرد. او مسئول باز کردن در ضریح بود و ندوی را که زائران در ضریح می‌ریختند جمع می‌کرد. شغل کلیدداری قدمتی طولانی در ری داشت و یکی از مشاغل مهم محسوب می‌شد. بناهای قدیمی در کوچه کلیدداری آن را متمایز کرده است. منفرد درباره خانه معروف کلیدداری می‌گوید: «این خانه متعلق به فردی به نام آقاگل تقوی بود؛ خانه‌ای با معماری ایرانی و اسلامی و کاشی‌کاری و آینه‌کاری‌های متعلق به دوره قاجار به دارای سردر حجاری شده زیبا. پشت در اصلی به سمت خیابان، ایوان مقرنس‌کاری شده زیبایی قرار گرفته که یکی از جذابیت‌های دیدنی خانه کلیدداری است.»



موضوع: قنات‌ها و آب‌انبار محلله زندگی بخش

موقعیت: میدان سرتخت



بیشتر مختص آبرسانی به زمین‌های کشاورزی بود توضیح می‌دهد: «سطح زمین شهر ری به نسبت تهران پایین‌تر بود و برای آبیاری زمین‌های کشاورزی و استفاده از آب قنات معمولاً چاه می‌کنند. ترتیب کار هم به این شکل بود که چاه اول را یک متر، چاه دوم را ۲ متر و تا رسیدن به چاه مادر که عمق آن به ۲۵ متر می‌رسید باید زمین را حفر می‌کردند. معمولاً منبع آب اصلی از شمیزارات به سمت پایین سرازیر می‌شد که انتهای آن به شهر ری می‌رسید. البته امروز بسیاری از قنات‌ها مثل چشمه علی خشک شده‌اند اما تعدادی قنات فعال قابل استفاده هم وجود دارد. خود محله سرتخت، قنات جداگانه مهم و معروفی نداشت و اغلب آب رشته قنات‌های محله‌های دیگر مثل قنات دانگی، صالح‌آباد و... از این محله رد می‌شد و مردم از آب آن استفاده می‌کردند.»



## معرکه‌گیری روی آب‌انبار پیر

انبار با آب فراوان قنات‌ها و چاه‌ها پر می‌شد و آب روانی که از میدان می‌گذشت سرریز آب همین آب‌انبار بود که نیازهای اهالی را تامین می‌کرد. با آب این آب‌انبار، نه‌رها پر می‌شد و آب مورد نیاز حمام، خانه‌های اهالی، آسیاب‌ها و زمین‌های کشاورزی فراهم می‌شد. از این فرصت خوب و مکان مناسب معرکه‌گیرها هم بی‌نصیب نمی‌ماندند. نقال‌ها روی سقف آب‌انبار نقالی می‌کردند و برای بازار گرمی و جذب مشتری بیشتر بساط‌شان را اغلب کنار همین آب‌انبار پهن می‌کردند و مردم از تماشای هنرنمایی آنها لذت می‌بردند. در حال حاضر این آب‌انبار در خانه یکی از اهالی واقع شده اما سال‌های زیادی است که روی آن را پوشانده‌اند و آب مصرفی خانه‌های مردم با لوله‌کشی تامین می‌شود و کسی از این آب‌انبار قدیمی که آب خنک و گوارایی داشت و برای رسیدن به منبع اصلی آب باید ۴۰ تا ۵۰ پله به زیر زمین می‌رفتند یاد نمی‌کند.»

صافی در ادامه درباره قنات‌های محله سرتخت که سرتخت از محله‌های اعیان‌نشین تهران قدیم محسوب می‌شد و خیلی از چهره‌های شاخص علم و سیاست ساکنش بودند. به گفته محلی‌ها، یکی از مهم‌ترین دلایل این انتخاب داشتن امکانات لاکچری از جمله آب‌انبار و وسط میدان سرتخت بود که امروز هیچ اثر و نشانه‌ای از آن، جز در خاطراتی که گوشه ذهن موسسیدان محله است، باقی نمانده است. محمود صافی، از قدیمی‌های محله سرتخت در این باره می‌گوید: «آب‌انبار بزرگ وسط میدان سرتخت در گذشته یکی از نمادهای مهم این محله بود. این آب‌انبار که بانی ساختش مردم و خیران محلی بودند، مکان مناسبی برای دورهمی‌های اهالی از جمله موسسیدان، بازی بچه‌ها، برپایی جشن‌های محلی به مناسبت‌های مختلف مذهبی و ملی بود. سقف آب‌انبار وسط میدان سرتخت از سطح زمین بالاتر بود. همچنین درخت توت تناری وسط میدان بود که میخ‌طوبله‌های زیادی در آن فرو رفته و محل بستن چهارپایان محسوب می‌شد. این آب

## ترور مشروطه‌خواهان در محله سرتخت

عبدالعظیم (ع) از علمای پیش‌تاز بود. این روحانی به‌دست عده‌ای ناشناس، در نیمه‌شب دوم اردیبهشت ۱۲۸۸ شمسی، در ۴۳ سالگی به قتل رسید و در جوار حضرت عبدالعظیم (ع) به خاک سپرده شد.»

به گفته ماجدی، این روحانی علاوه بر تبحر در علوم دینی، طبع شعری هم داشت و به سبک شاهنامه، منظومه‌ای را در ستایش خداوند و مدح اهل بیت (ع) و به‌ویژه امیرالمومنین (ع) سرود که تحت عنوان افتخارنامه حیدری چاپ شد و به همین دلیل لقب افتخارالعلماء را دریافت کرد. همچنین در ماجرای مشروطیت و تحصن علما و مهاجرت صغری به قولی به‌عنوان کارگردان ماجرا نقش مهم و مؤثری ایفا کرد.

این ری‌پژوه درباره مقبره خانوادگی این عالم ربانی توضیح می‌دهد: «پیکر این روحانی عالیقدر را سمت چپ ایوان حضرت عبدالعظیم (ع) به خاک سپردند و بعد از آن این مکان تبدیل به مقبره خانوادگی آشتیانی‌ها شد و در حال حاضر جزو بخش زانه حرم محسوب می‌شود. البته جز مرحوم افتخارالعلماء، چند تن از علمای بزرگ معاصر هم در همین مقبره خاکسپاری شده‌اند.»



موضوع: خانه آقاگل و ترور آیت‌الله مصطفی آشتیانی

موقعیت: کوچه کلیدداری

محله سرتخت به واسطه حضور و سکونت چهره‌های فرهنگی و سیاسی محل وقوع بسیاری از رخدادها و اتفاقات سیاسی از جمله تحصن علما و وقایعی در دوران مشروطه‌خواهی نیز بوده است. یکی از این وقایع مربوط به ترور «میرزا مصطفی افتخارالعلمای آشتیانی» از علمای مشروطه‌خواه در خانه آقاگل کوچه کلیدداری است.

سید محسن ماجدی، ری‌پژوه در این باره تعریف می‌کند: «میرزا مصطفی افتخارالعلمای آشتیانی متخلص به صهبا سال ۱۲۴۵ خورشیدی متولد شد. پدرش آیت‌الله میرزا محمد حسن آشتیانی، از رهبران نامدار نهضت تنباکو در تهران و مورد اعتماد میرزا بزرگ شیرازی در پایتخت بود. میرزا مصطفی پس از پایان تحصیلات نزد پدر و دیگر استادان، به درجه اجتهاد رسید و در ماجرای نهضت مشروطیت، به این قیام مردمی ملحق شد. این روحانی در تلاش بود که میان مخالفان و موافقان مشروطه و مشروعه اتفاق نظری حاصل کند اما در این کار موفق نشد و به همین دلیل دست از مبارزه برداشت و از فعالیت در هر دو گروه کناره گرفت. او البته قبل از کناره‌گیری، در جریان تحصن علما در حرم حضرت



خانه قدیمی کلیدداری در کوچه کلیدداری